

فرهنگی غنی و گسترده که از حدود هزارهٔ دوم پیش از میلاد دشت‌های میان سیحون و جیحون را در اختیار خود گرفته بوده است و این همه فرهنگ ما و بخشی از فرهنگ ایرانی است. پس دریابیم فرهنگ غنی، گسترده، پربار و هنوز کم شناخته شدهٔ ایران را. و دست دکتر بدری قریب را صمیمانه بفشاریم که برشناخته شدن بخشی از این فرهنگ چنین همت بلند را به کار گرفته است. تلاش ارزشمند و همراه با پشتکار و پیگیرانهٔ این همکار دانشمند، دکتر بدری قریب را ارج می‌نهمیم که خرد و دانش را جلوه‌ی زیبا بخشیده است. بانوی باحساس و شاعری که به علم روی آورده است و توانسته است ارزش و لیاقت و فرزاندگی خود را به خوبی نشان دهد. و با پژوهش‌های عالمانه و سترگ خود بر فرهنگ و زبان‌های باستانی و الایی بیشتر بخشد و حقانیت آن را بهتر نمودار سازد.

او را بزرگ می‌داریم و چون سپاسداری نیز از نخستین اندرزه‌های مینوی خرد است از او سپاسگزاریم که عمر مفید و نیرو و همت خود را در این راه صرف کرد. آرزو کنیم که همواره تندرست باشد، دیر زید، پربار زید، و ما همچنان بیاموزیم و بدانیم که بزرگان را نکو بداریم. متشکرم.



زنی هست آرایش روزگار

دکتر زهره زرشناس

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به نام خدا یا به زبانِ سغدی خودمان

awēn βay ānβnay nām

آیا جای آن نیست که بار دیگر انتشار کتاب فرهنگ سغدی، پژوهشی این چنین ارزنده را به جامعهٔ دانش‌پژوهان فارسی زبان تبریک بگوییم؟ در این فرهنگ، سرواژه‌های سغدی با معادل فارسی و انگلیسی آمده است. این واژه‌نامه در جهان زبان‌شناسی تاریخی کاری منحصر به فرد است. کتاب، گنجینهٔ عظیمی از واژه‌ها و ترکیبات زبان سغدی را در اختیار پژوهشگران این زبان و دیگر زبان‌های کهن ایرانی و رشته‌های وابسته می‌گذارد و می‌توان آن را به مثابه ابزار اصلی

برای مطالعات زبان‌های ایرانی به کار بُرد. جمله‌یی از استاد گرانقدر و دوست بسیار عزیزم سرکار خانم دکتر کنایون مزدپور به خاطر آمد که پس از انتشار این کتاب گفت: «رستم پهلوان به دنیا آمد».

آری به راستی همان طور که تولد قهرمان بزرگی چون رستم تنها به مددِ سیمرغ و پروی و از پهلوی رودابه امکان‌پذیر بوده است، گردآوری و تدوین واژه‌نامه جامع زبانِ سغدی تنها به یاری بیش از بیست سال تلاشِ خستگی‌ناپذیرِ بانویی دانشمندِ جامعهٔ تحقق به خود پوشیده است. او نخستین کسی است که ابتدا، زبانِ سغدی را به فارسی‌زبانان شناساند و آموزش آن را باب کرد و سپس به آسان ساختن دست‌یابی به این زبانِ نو یافته و باز یافته و گنجینهٔ واژه‌های غنی آن پرداخت. نکتهٔ جالب توجه این است که یکی از اولین نوشته‌های سرکار خانم دکتر قریب دربارهٔ رستم، در متنی به زبانِ سغدی بوده است.

دشواری دست یافتن به منابع و مآخذِ جدید در این زمینهٔ پژوهشی یعنی دربارهٔ زبانی که تا اوایل قرنِ حاضر، تا پیش از کشفِ گنجینهٔ تورفان در ترکستانِ چین، زبانی تقریباً ناشناخته بوده است و کمبود منابعِ فارسی دربارهٔ زبانِ سغدی، ارزشِ تدوینِ فرهنگِ سغدی را دوچندان می‌کند. باید عرض کنم که تقریباً تمامی منابع موجود در این زمینه به زبانِ فارسی از آثار استاد یا معدودی از شاگردانِ ایشان است. فرهنگِ سغدی، کار ارزنده‌یی بااهمیت و اعتبار جهانی است. بویژه آنکه برای نخستین بار زبانِ فراموش شدهٔ سغدی، واژه‌نامه‌یی همراه با آوانویسی پیدا می‌کند. به عبارتِ دیگر، خواننده می‌تواند به تلفظِ واژه‌های سغدی دست یابد. مشکلات فنی و تخصصی زیادی در این راه، وجود داشته که استاد به حلّ آنها توفیق یافته است.

این فرهنگ با بهره‌گیری از جدیدترین روش‌های علمیِ فرهنگ‌نویسی و با نگرش به آخرین آرا و دستاوردهای ایران‌شناسانِ جهان که حاصلِ مکاتباتِ مستمرِ استاد و مبادلهٔ آخرین مقالاتِ نشر یافته دربارهٔ زبانِ سغدی است، تدوین شده است. و این مهم به همتِ بانوی فاضلی به انجام رسیده که زندگیِ خود را وقفِ علم و دانش و خدمت به جامعهٔ دانشگاهی ایران نموده است.

در شاهنامه، رودابه، مادرِ رستم، خطاب به مادرِ خود جمله‌یی می‌گوید که بحق، شایستهٔ مادرِ این فرهنگ است که زبانِ سغدی به وسیلهٔ او نوزایی شده و امروزه در دسترس همگان قرار گرفته است:

بدو گسفت رودابه کیئی شاه زن سزای ستایش سه هر انجمن
سرکار خانم دکتر بدرالزمان قریب، بانی نخستین کرسی مستمر آموزش زبانِ سغدی در ایران (از سال ۱۳۵۰ تاکنون) است و با پرورش شاگردانِ بسیار و هدایت و راهنمایی تعداد زیادی

رساله فوق‌لیسانس و دکتری، دربارهٔ زبانِ سغدی، این زبانِ فراموش شدهٔ جادهٔ ابریشم را با زبان‌شناسانده است.

می‌دانیم که سمرقند، پایتختِ سرزمینِ سغد، از نظر سوق‌الجیسی نقش بسیار مهمی در جادهٔ ابریشم، شاهراهِ تجاریِ میانِ چین و دنیای غرب، داشته است. نوشته‌های مورخان اسلامی حکایت از مهاجرتِ سغدیان، پیش از اسلام و فعالیت‌های بازرگانیِ سغدیانِ تجارتِ پیشه در طول این جاده دارد. نتیجهٔ بارزِ این امر، اهمیتِ یافتنِ زبانِ سغدی به صورتِ زبانِ میانگانِ (Lingua franca) جادهٔ ابریشم بوده است. از این دیدگاه، نقشِ سغدیان را در ترکستان و ماوراءالنهر می‌توان با نقشِ یونانیان در دنیای باستان، البته در مقیاسی محدودتر، قابلِ قیاس دانست. در پرتوِ همین نقشِ زبانِ سغدی است که بیشترِ دستنویس‌های آن در این ناحیه به خصوص در تون هوانگ / Tun Huang و نواحی اطرافِ تورفان به دست آمده‌اند.

سرزمینِ سغد راه، از دیدِ منابعِ تاریخی، ناحیه‌یی کم‌وسعت در کنارِ رودِ زرافشان می‌یابیم؛ اما کشفِ آثار و مدارکِ سغدی در گسترهٔ جغرافیاییِ عظیمی از روسیه تا ترکستانِ چین (ایالتِ سین کیانگِ امروزی) حکایت از آن دارد که سغدیان روزگاری ساکنانِ چنین سرزمینِ پهناوری بوده‌اند، هر چند که مطالعاتِ دقیق‌تر نشان می‌دهد که آنان صرفاً مهاجرانی در این سرزمین‌های بگیاانه بوده‌اند.

زبانِ سغدی پیش از کشفِ گنجینهٔ تورفان در ترکستانِ چین در اوایلِ قرنِ حاضر، که شامل دست‌نوشته‌هایی به زبان‌های گوناگونِ ایرانی میانه است، زبانی تقریباً ناشناخته بوده است. نخستین کسانی که پرده از راز زبانِ خاموشِ سغدی، برگرفتند محققانِ آلمانی بودند که در نخستین سال‌های قرنِ بیستم با مطالعهٔ یک متنِ مکشوف از تورفان، این زبانِ تا آن روز ناشناخته را "سغدی" نامیدند. گرچه ابوریحان بیرونی در حدود هزار و اندی سال پیش با ذکر نام روزها و ماه‌ها و جشن‌های سغدی، تلویحاً به این زبان اشاره کرده بود، اما در آغازِ قرنِ بیستم است که زبانِ سغدی تولد دوباره می‌یابد.

طی نود سالِ گذشته با کوششِ هیئت‌های اکتشافیِ متعدد، آثارِ مکتوبِ این زبان، به صورتِ پراکنده، از نواحیِ نزدیکِ شهرِ سمرقند تا یکی از برج‌های داخلیِ دیوارِ بزرگِ چین و از مغولستانِ شمالی تا درهٔ غلیلی رودِ سند در شمالِ پاکستان کشف شده‌اند. با انتقالِ این اسناد و مدارک به موزه‌های شهرهای برلن، پاریس، لندن و سن پترزبورگ، دانشمندانِ اروپایی و امریکایی به مطالعهٔ این نوشته‌های کهن پرداختند. بسیاری از این متون به زبان‌های متعددیِ اروپایی ترجمه شدند. زبان‌شناسان و ویژگی‌های صرفی و نحویِ زبانِ سغدی را مشخص کردند و حقایقِ بسیاری

درباره این زبان آشکار ساختند. زبانِ سغدی یکی از زبان‌های گروه شرقی ایرانی میانه، زبانِ ناحیه حاصل‌خیزِ سغد، واقع در میانِ دو رود سیحون و جیحون، بوده است. این زبان در طولِ ده قرن (قرن‌های دوم تا دوازدهم میلادی) مهم‌ترین زبانِ ایرانی در ترکستان و ماوراءالنهر، زبانِ تجاریِ جاده ابریشم و از دیر زمان ابزارِ ارتباط و پیوندِ فرهنگ‌های سرزمین‌های شرقی و غربی آسیا بوده است. آثارِ بازیافته سغدی شاملِ آثار غیردینی و آثارِ دینی است.

آثار غیر دینی دربرگیرنده کتیبه‌های متعدّد، سکه‌های گوناگون که تاریخ کهن‌ترین آن‌ها به قرن دوم میلادی می‌رسد و در زمره کهن‌ترین نوشته‌های زبانِ سغدی است، سفالینه‌ها، نامه‌های باستانی، اسناد و مدارک کوه مغ، چند متنی طبّی و چندین داستان است.

آثارِ دینی، یعنی بخش اعظمِ متونِ سغدی، که احتمالاً در فاصله قرن‌های هشتم تا یازدهم میلادی نوشته شده‌اند، اغلب ترجمه‌هایی از نوشته‌های پیروان ادیان بودایی و مانوی و مسیحی و متأثر از فلسفه و عقاید این سه دین هستند. به همین اعتبار، آثارِ دینی این زبان به سه گروه متونِ سغدی بودایی، سغدی مانوی و سغدی مسیحی تقسیم می‌شوند. زبانِ سغدی بر اثر نفوذ و توسعه تدریجی فارسی میانه (برخوردار از پشتیبانی دولت ساسانی) و نیز زبانِ ترکی (ارمغانِ هجوم قبایل ترک زبان) از رواج افتاد و سیرِ ناپودی آن از قرن پنجم هجری به بعد، هم‌زمان با رواج زبانِ فارسی از یک سو، و نفوذِ زبان‌های عربی و ترکی، از دیگر سو، شتابِ بیشتر یافت. هرچند که امروز گوییش دورافتاده یغناپی (رایج در دره رودخانه یغناپ در جمهوری تاجیکستان) یگانه یادگارِ زنده از زبانِ سغدی است، لیکن تأثیر مستقیمِ زبانِ سغدی بر ادبیاتِ فارسی، به ویژه در دورانِ متقدّم آن، انکارناپذیر است.

گفتیم که اکثرِ متونِ بازیافته سغدی بررسی شده‌اند و تقریباً همه این دست نوشته‌ها به زبان‌های مهم زنده جهان برگردانده شده‌اند. اما جای خالیِ واژه‌نامه‌ی جامع از زبانِ سغدی در میانِ آثارِ متعدّد ایران‌شناسانِ جهان درباره زبان‌های ایرانی به واقع نمایان بود.

به گفته کنفوسیوس «شناخت انسان بدون شناختِ قدرتِ کلمات میسر نیست» و استاد براستی در قوت بخشیدن به "قدرت کلمات" در ایران ممتاز بوده و سهم بسزا داشته است. وی با فراهم آوردن این واژه‌نامه که از نظر علمی و پژوهشی از ارزشی جهانی و بین‌المللی برخوردار است، حاصل تلاش و کوشش نود و چند ساله ایران‌شناسان و زبان‌شناسان کشورهای مختلف دنیا را درباره زبانِ سغدی گردآوری کرده است. به عبارت دیگر صدها مقاله و کتاب در قالب یک واژه‌نامه قابل دسترس و قابل استفاده برای دانش‌جو و دانش پژوه، در اختیارِ فارسی‌زبانان قرار گرفته است، تا دیگر کسی زبانِ سغدی را "زبانِ سعدی" نخواند.

این مطلب یادآور خاطره‌یی از نمونه‌خوانی اولین مقاله‌ام دربارهٔ زبانِ سغدی است که همه جا واژهٔ سغدی، "سغدی" نوشته شده بود و زبان سغدی به سه گروه سغدی بودایی و سغدی مانوی و سغدی مسیحی تقسیم شده بود (البته در پراکنش باید از شیخ اجل سغدی شیرازی به واسطهٔ این جسارت پوزش بطلبم).

می‌دانیم که زبانِ فارسی از قابلیتِ خاصی در جذب و پذیرش واژه‌های بیگانه برخوردار است. علاوه بر انبوه واژه‌های عربی و شمار بسیاری واژه‌های آرامی و ترکی در آن باید از وجود شمارِ درخورِ توجهی واژه‌های ایرانیِ شرقی نیز نام برد. از آن جا که در میانِ گویش‌های پدیدآورندهٔ فارسیِ نو هیچ یک از زبان‌های ایرانیِ شرقی را نمی‌توان یافت که بتواند ادامهٔ زبانِ متداولِ فرهنگی و تجاریِ توسعه یافته در ایرانِ دورانِ ساسانی باشد، لذا واژه‌های ایرانیِ شرقی در زمرهٔ واژه‌های دخیل در زبانِ فارسی محسوب می‌شوند. سغدی از جملهٔ زبان‌های ایرانیِ شرقی و رایج‌ترین آنهاست که زبانِ فرهنگ و ادب و بازرگانی در مناطقیِ فارسی زبان تا مرزهای چین بوده است. حال اگر نقش بسیار مهم بخارا و سمرقند، مادر شهرهای قلمروِ زبانِ سغدی، را نیز در گسترش ادبیاتِ آغازینِ فارسی در نظر بگیریم، ورود شمارِ نظرگیری واژهٔ سغدی - مانندٔ غوک، ستیغ، زیور، سنگ‌سار - را در زبانِ فارسی امری طبیعی می‌یابیم. بررسی آثارِ بازرگانی چون رودکی، ابوشکور بلخی و اسدی طوسی نیز مؤید این معنی است.

و با یاری این کتاب، پژوهشگرانی که تخصص اصلی آنها زبانِ سغدی نیست، می‌توانند دربارهٔ واژه‌های دخیل از سغدی به زبانِ فارسی به تتبع و تحقیق بیشتر بپردازند. افزون بر این، ایران‌شناسان و پژوهشگران و دانشجویان زبان‌های ایرانی، ادیبان و پژوهندگان زبان و ادبیاتِ فارسی، به جهتِ گوناگون به ویژه در امرِ واژه‌گزینی و واژه‌سازی، و بازناسی واژه‌های مهجور و شاذ و درکِ امکاناتِ گوناگون - قرائتِ واژه‌ها - نیز می‌توانند از این فرهنگ بهرهٔ فراوان ب‌برند.

در پایان عریضم ذکر این نکته را لازم می‌دانم که سرکار خانم دکتر قریب بهترین محققِ زبانِ سغدی در خاورمیانه و ایران است و با وجود آن که شاگردان بسیار در مکتب ایشان پرورش یافته‌اند هنوز هم هیچ شاگردی روی دست استاد برنخاسته است. گواه این مطلب، نوشتهٔ یا نیانو در معرفی کتاب فرهنگِ سغدی در مجلهٔ شرق و غرب / *East and West* است که نوشته است: «کتاب فرهنگ سغدی نه تنها مورد استفادهٔ دانشجویانِ امروزیِ زبان‌های باستانی و میانهٔ ایران است بلکه نسل‌های آیندهٔ دانشجویانِ این رشته نیز از آن سود خواهند جست!»؛ و دوشن گیمن در نامه‌یی خطاب به خانم دکتر قریب نوشته است که هر روز با استفاده از کتاب فرهنگ

سغدی به همراه یکی از دانشجویان، زبان سغدی می‌آموزد.

مکنزی ایران‌شناس نامی و مؤلف فرهنگ بسیار مفید زبان پهلوی یعنی فرهنگ کوچکی پهلوی که از متخصصان صاحب نام زبان سغدی است و کار فرهنگ‌نویسی را نیز تجربه کرده و به مشکلات این کار آشناست، با توجه به حجم سنگین فرهنگ سغدی طی نامه دوستانه‌یی از همت و پشتکار استاد و میزان رنج و زحمت وی در راه تدوین چنین فرهنگ جامع و بزرگی قدردانی و سپاسگزاری کرده است.

و استاد عزیز و دوست داشتنی بنده که نخستین بانویی است که این انجمن مجلسی در تجلیل از مقام شامخ علمی او برگزار می‌کند: «زنی هست آرایش روزگار».

جان کلام آن که این معلم فرزانه و این شاعر ظریف نکته‌سنج و بی‌ادعا که مهربانی با نامش هم پیوند است، از جمله عاشقانی بوده است که به تعبیر سروده پرمغز و نغز استاد گرامتایه، دکتر شفیع کدکنی، همواره در "فقط سالی‌های" روزگار ما، حرمت عشق را پاس داشته است. با آرزوی تندرستی و دیرزیوی و توفیق ایشان برای کارهای سترگ آینده.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی